

اساسی سازی تولید و مصرف پایدار*

مسعود فریادی^۱

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه مازندران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

چکیده

صیانت از منابع طبیعی کشور از طریق پایدارسازی تولید و مصرف کالاها و خدمات یک ضرورت مهم حقوقی است و به همین دلیل برخی نظام‌های حقوقی به ارتقای شأن این هنجار از طریق اساسی سازی آن روی آورده‌اند. این مقاله با رویکرد تحلیلی و تطبیقی به بررسی ارکان سه‌گانه اساسی سازی تولید و مصرف پایدار پرداخته است. در رکن نخست قانون اساسی ایران تولید و مصرف پایدار کالاها و خدمات را با ممنوع ساختن آلودگی غیرقابل جبران محیط‌زیست و ممنوعیت اسراف و تبذیر (اصول ۴۳ و ۵۰) تبدیل به یک هنجار اساسی کرده است. اما تقویت دو رکن بعدی یعنی استناد به این اصول و رویه‌سازی در آراء شورای نگهبان و توسعه هنجاری در قوانین عادی کمتر مورد توجه بوده و از این رو اساسی سازی این هنجار اساسی نیازمند تضمین و توسعه قانونی و رویه‌ای در نظام حقوقی ایران است.

کلیدواژه‌ها: حقوق منابع طبیعی، اساسی سازی، تولید و مصرف پایدار، اسراف، تبذیر، توسعه پایدار.

طبقه‌بندی JEL: K32, K23

مقدمه

در دهه‌های اخیر قانون‌گذاران برای حفاظت محیط‌زیست به ممنوع ساختن آلودگی و وضع استانداردهای آلاینده‌گی روی آورده‌اند. اما کنترل آلودگی صرفاً یک اقدام اصطلاحاً آخر خطی

* نوع مقاله: پژوهشی

1. m.faryadi@umz.ac.ir

بوده و جنبه پیشگیرانه مطمئنی ندارد. با اینکه آلودگی محیط‌زیست مشکلی جدی است اما مشکل اصلی‌تر را باید در شیوه‌های تولید و مصرف ناپایدار و آلاینده جستجو کرد. بنابراین حتی اگر قوانین سختگیرانه‌تری هم برای کنترل آلودگی وضع و اجرا شوند، باز به حداقل رساندن آلودگی به دو دلیل ممکن نخواهد بود: نخست به دلیل وجود نیاز فزاینده به تولید و مصرف بیشتر کالاها و خدمات و افزایش بهره‌برداری از منابع طبیعی برای تأمین این نیازها، و دوم به دلیل انتشار پسماندهای ناشی از کالاها. افزایش جمعیت و تقاضا برای دسترسی به منابع طبیعی و در نتیجه کاهش سریع این منابع، تنظیم تولید و مصرف کالاها و خدمات و تأمین امنیت زنجیره عرضه و تقاضا را به یکی از مسائل مهم عمومی تبدیل کرده است. اما جدا از مسئله میزان تولید و مصرف، الگوهای نادرست تولید و مصرف هم مشکلی دیگر است که به‌طور زنجیره‌ای به مشکلات محیط‌زیستی مانند تهی‌سازی منابع طبیعی، تخریب و آلودگی محیط‌زیست و مشکلات اجتماعی مختلف دامن می‌زند. با درک این نکته بود که بخش ۴ دستور کار ۲۱ تولید و مصرف ناپایدار منابع را اصلی‌ترین عامل تخریب محیط‌زیست زمین اعلام کرد (UN Agenda 21, 1992).

در رویکرد پیش‌دستی^۱ و اصل پیشگیری در حقوق محیط‌زیست، تنظیم الگوهای تولید و مصرف همساز با توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست ضرورتی جدی است. گذشته از مسئله حفظ محیط‌زیست، امروزه تأمین امنیت منابع طبیعی و تضمین دسترسی عادلانه به این منابع به یک مسئله حقوق عمومی تبدیل شده است چراکه اختلال در دسترسی به این منابع می‌تواند نظم و منافع عمومی جامعه را به مخاطره بیفکند (Blank, 2013: 55). بنابراین دولت باید اقدامات مقتضی برای تضمین جریان تولید و مصرف پایدار کالاها و خدمات انجام دهد. ضرورت کنترل و تعدیل آثار بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی و تضمین دسترسی عادلانه به این منابع ایجاب می‌کند تا تولید و مصرف پایدار کالاها و خدمات تبدیل به یک ارزش اساسی در قانون اساسی شده و تدابیر قانونی لازم برای توسعه این هنجار در کل فرایند سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، تولید و مصرف کالاها و خدمات اتخاذ شود. چراکه هنجارسازی برای صیانت از منابع طبیعی از جمله تولید و مصرف پایدار را نمی‌توان از نظام حقوق اساسی کشور جدا دانست (Clayton & Boss, 2002: 164) بلکه باید

1. Proactive approach

در پرتو ارزش‌های اساسی که قانون اساسی شناسایی و اعلام می‌کند، جایگاه حقوقی صیانت و بهره‌برداری از این منابع را مشخص ساخت. از این رو پیشگیری از اسراف و مصرف نامعقول منابع طبیعی و تشویق و تسهیل تولید و مصرف پایدار باید به یک ارزش اساسی تبدیل شود.

اهمیت حفظ منابع طبیعی و پایدارسازی تولید و مصرف از طریق هنجارهای حقوقی به‌اندازه‌ای بوده است که در دهه‌های اخیر در برخی قوانین اساسی جهان، تبدیل به یک ارزش اساسی شده و در قوانین ارگانیک یا عادی و برخی اسناد بین‌المللی نیز تصریح شده است. گرایش به توسعه پایدار و صیانت از منابع طبیعی را باید جزئی از فرایند گرایش به اساسی‌سازی محیط‌زیست در کشورها دانست (Bosselmann, 2014: 380) و حتی می‌توان اساسی‌سازی تولید و مصرف پایدار را مرحله دوم در اساسی‌سازی محیط‌زیست تلقی کرد. قانون اساسی ایران نیز در بند ۶ اصل ۴۳ این ارزش محیط‌زیستی و اجتماعی را با ممنوع ساختن اسراف و تبذیر تبدیل به یک هنجار اساسی کرده و زمینه اساسی برای اعمال این قاعده مهم محیط‌زیستی در نظام حقوقی ایران را فراهم ساخته است. اما مسئله اساسی در چگونگی تضمین این ارزش در نظام حقوقی است و در این خصوص پرسش‌هایی مطرح می‌شود: آیا صرف درج این ارزش در قانون اساسی به هنجارسازی و اساسی‌سازی آن در نظام حقوقی کمک می‌کند یا اینکه این صرفاً یک اقدام اولیه بوده و اقدام‌های دیگری برای اساسی‌سازی آن لازم است؟ اساسی‌سازی این هنجار چه کمک مؤثری به بهبود وضعیت آن در عمل می‌کند و اینکه آیا زمینه و راهکارهای لازم برای تحقق این هدف اساسی و توسعه الگوی تولید و مصرف پایدار در نظام حقوقی ایران شکل گرفته است یا نه؟

اساسی‌سازی یک ارزش و تبدیل آن به یک هنجار والای حقوقی، فرایندی چند مرحله‌ای است بدین ترتیب که ابتدا برخی هنجارهای مهم در قانون اساسی مندرج شده و جایگاه اساسی می‌یابند؛ سپس نهاد ناظر قانون اساسی با تطبیق دادن قوانین عادی با این هنجارهای اساسی از آنها صیانت می‌کند؛ و سرانجام قانون‌گذار با تصویب قوانین و مقررات مقتضی، این هنجارها را در بدنه نظام حقوقی توسعه می‌دهد (تقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۳۳). بدین ترتیب با استفاده از دو مدل شکلی و ماهوی ارائه شده برای اساسی‌سازی محیط‌زیست (مشهدی، ۱۳۹۳: ۵۶۵) می‌توان قائل به اساسی‌سازی شکلی تولید و مصرف پایدار (تصریح در متن قانون اساسی) و اساسی‌سازی ماهوی آن (تصریح در آراء نهادهای ناظر یعنی شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری و وضع قوانین اجرایی مقتضی) شد. حال این نکته قابل بحث است که آیا این هنجارسازی چرخه‌ای در مورد تولید و

مصرف پایدار نیز اتفاق افتاده و اصطلاحاً اساسی شده است یا نه؟ با توجه به این مسئله در این مقاله در سه بند با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تأکید بر حقوق ایران بحث می‌شود که آیا تولید و مصرف پایدار تبدیل به یک هنجار اساسی شده است یا نه؛ سپس اگر پاسخ مثبت است، آیا نهاد ناظر بر قانون اساسی طی آراء خود به صیانت از این هنجار پرداخته است یا نه؛ و سرانجام نظام حقوقی از چه قوانین و مقرراتی برای توسعه و ترویج این هنجار استفاده کرده است و خلأهای موجود چیست؟

هنجارسازی برای تولید و مصرف پایدار

در ابتدا باید به مسئله پرداخت که چرا و چگونه تولید و مصرف پایدار در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله ایران تبدیل به یک هنجار اساسی می‌شود.

دلایل هنجاری کردن تولید و مصرف پایدار

گرایش به تبدیل تولید و مصرف پایدار به یک ارزش اساسی حقوقی ناشی از ضرورت مدیریت آثار نامطلوب تولید و مصرف ناپایدار و اسراف آمیز است. چالش اولیه این است که بسیاری از منابع طبیعی جاودانه نیستند و رو به پایان هستند یا اینکه دسترسی به آنها دشوارتر و گران‌تر از گذشته می‌شود. اما باین حال جمعیت جهان و روند مصرف‌گرایی بیشتر از میزان منابع طبیعی در دسترس افزایش می‌یابد و سالانه میلیون‌ها تن منابع طبیعی صرف تولید کالاها و خدمات و سرانجام پسماند می‌شود بدون آنکه جایگزین این منابع ایجاد شود. تولید و مصرف اسراف‌کارانه و نامعقول، آثار محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی سنگینی بر جامعه وارد می‌کند مانند اعمال فشار بیشتر بر منابع طبیعی و تهی‌سازی سریع این منابع، تضييع حقوق نسل‌های آینده به دلیل تهی شدن منابع طبیعی (UNEP, 2014: 22-27)، آلودگی محیط‌زیست از طریق استخراج مواد خام، فرایند تولید کالاها و دفع پسماند، کاهش تنوع زیستی و تشدید چالش‌های اجتماعی مانند توزیع نابرابر کالاها و خدمات.

نتیجه چنین روندی ورشکستگی اکولوژیک است که طی آن به دلیل بهره‌کشی بیش از حد از منابع یک منطقه، طبیعت توان بازیابی پایدار و بازیافت خود را از دست می‌دهد. از عوامل اصلی

این ورشکستگی الگوهای تولید و مصرف ناپایدار است و به همین دلیل برای حفظ ثبات و یکپارچگی اکوسیستم‌ها، تعدیل شیوه‌های تولید و مصرف و همساز ساختن آن با وضعیت محیط‌زیست ضرورت دارد (درنینگ، ۱۳۷۴: ۱۳). الگوهای تولید و مصرف همسو با رشد جمعیت، توسعه نسبی رفاه اقتصادی و طبقه متوسط در دهه‌های اخیر به نحو ناپایداری تغییر یافته (WBCSD, 2008: 8) و به دلیل حجم انبوه و ماهیت آلاینده کالاهای تولید و مصرف شده، آثار کمی و کیفی بیش از حد تحمل طبیعی کره زمین بر جای نهاده است. به عنوان نمونه طی قرن گذشته استفاده از مواد خام طبیعی بیش از ۸ برابر افزایش یافته است (Krausmann et al., 2009: 7) و گزارش‌های مستمر بنیاد جهانی حیات وحش نشان می‌دهد که میزان متوسط تأثیر انسان بر محیط‌زیست (رد پای اکولوژیکی) در طی ۵۰ سال گذشته بیش از ظرفیت قابل تحمل زمین افزایش و ظرفیت زیستی زمین برای تأمین نیازهای مردم جهان کاهش یافته به نحوی که برای تأمین این نیازها به طور متوسط بیش از یک و نیم کره زمین لازم است (WWF, 2014: 2,56).

از مهم‌ترین عوامل تهی شدن سریع منابع طبیعی و مشکل در دسترسی به این منابع، الگوهای اقتصادی و فرهنگی استفاده اسراف کارانه و تذبذب آمیز کالاها و خدمات، نبود بهره‌وری در تولید و فناوری‌های ناکارآمد است. از این جهت تأکید می‌شود که کاهش آسیب‌های محیط‌زیستی مستلزم تغییر اساسی در تولید و مصرف کالاها و کل نظام اقتصادی است (UNEP, 2014a). اما ائتلاف منابع کشور دلایل دیگری نیز مانند قانون‌گذاری، بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی ناکارآمد یا اجرای نامطلوب قوانین دارد. گاهی تصویب یک قانون و اعمال الزامات اقتصادی و اجتماعی یا تأسیس یک سازمان غیرضروری می‌تواند به استفاده نکردن بهینه و ائتلاف منابع کشور منجر شود. از این جهت بحث تولید و مصرف ناپایدار را در نباید صرفاً در روش مصرف روزانه خانگی شهروندان خلاصه کرد.

از سوی دیگر نفوذ این تصور در دولت و فعالان اقتصادی که رشد اقتصادی مستلزم مصرف بیشتر است، به طور جدی از بهینه‌سازی تولید و مصرف جلوگیری می‌کند (White, 2002: 83) و بنابراین دولت با این تصور که اعمال هرگونه کنترل بر فرایند تولید و مصرف به منظور پایدارسازی آن می‌تواند مانع رشد اقتصادی شود تلاش مؤثری برای پایدارسازی تولید و مصرف انجام نمی‌دهد. حال آنکه در بلندمدت چاره‌ای جز این ندارد که به منظور تضمین و تأمین رشد پایدار اقتصادی، با توجه به اصول اقتصاد کمیابی منابع، تولید و مصرف پایدار کالاها و خدمات را در

اقتصاد نهادینه و الزامی سازد. البته هدف الگوی تولید و مصرف پایدار کالاها و خدمات صرفاً حفظ محیط‌زیست نیست بلکه کسب مزایای اقتصادی و اجتماعی مهمی از قبیل کمک به پایدارسازی اقتصاد، حفظ چرخه ارزش مواد، ایجاد مشاغل جدید، تداوم چرخه تولید و مصرف، تأمین امنیت انرژی، منابع اولیه و مواد غذایی و کاهش خطرپذیری در برابر بحران‌هایی مانند خشکسالی و کمیابی منابع است. توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی بدون توسعه و ترویج الگوهای تولید و مصرف پایدار و بهره‌وری در نظام اقتصادی عملاً ممکن نیست و از این رو نهادها و خط-مشی‌های اقتصادی به‌ناچار باید بهره‌وری و پایداری در تولید و مصرف را تضمین کنند (Persson & Tabellini, 2002: 60). چراکه بخشی از مشکلات اجتماعی مانند نابرابری در دسترسی به کالاها و خدمات از الگوهای نامعقول تولید و مصرف ریشه می‌گیرد و به همین دلیل یونپ اعلام می‌کند که پایدارسازی مصرف یک گام اساسی در کاهش فقر است (Ekins & Lemaire, 2012: 23).

از آنجا که الگوی تولید و مصرف پایدار یک الگوی جامع و نظام‌مند است، اتخاذ و اجرای آن اصلاحات لازم در نظام‌های تولیدی و خدماتی و نیز فرهنگی مانند انتخاب سبک زندگی همساز با طبیعت را ایجاب می‌کند. این الگو مبتنی بر سه عنصر پایداری محیط‌زیستی (کاهش آثار مخرب و آلاینده بر محیط‌زیست و کاهش تهمی‌سازی منابع طبیعی)، اقتصادی (کاهش هزینه‌ها برای اشخاص و جامعه) و اجتماعی (دسترسی عادلانه به منابع، بهداشت و کار) است (Heiskanen et al., 2009: 391). تولید و مصرف پایدار یعنی تولید و مصرف کالاها و خدمات با صرف کمترین هزینه و کمترین بهره‌برداری از منابع طبیعی همراه با کسب بیشترین میزان منفعت از این کالاها و خدمات. به موجب بیانیه کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد (۱۹۹۴) تولید و مصرف پایدار عبارت است از استفاده از کالاها و خدمات برای رفع نیازهای اساسی و تأمین کیفیت بهتر زندگی همراه با کاهش استفاده از منابع طبیعی، مواد آلاینده و انتشار پسماندها در طی چرخه عمر کالاها و خدمات و به مخاطره نیفکندن تأمین نیازهای نسل‌های آینده (UNCSD, 1994). هدف اصلی این الگو تداوم توانایی اکوسیستم‌های طبیعی در ایفای کارکردهای خود و تضمین دسترسی پایدار به منابع اولیه برای زندگی است. تولید و مصرف پایدار بر مشارکت مؤثر بخش صنعت، مصرف‌کنندگان و دولت در تولید و استفاده بهینه از منابع طبیعی، ارتقای کیفیت فرآورده‌ها و کاهش آلودگی و پسماند مبتنی است. بنابراین نظام حقوقی به چند دلیل باید سازوکارهای لازم برای پایدارسازی

الگوهای تولید و مصرف را ایجاد کرده و دولت را مکلف به توسعه و ترویج این الگوها سازد: ضرورت صیانت از منابع طبیعی و تضمین امنیت پایدار منابع و بهره‌برداری معقول از این منابع، پیشگیری از تهی شدن منابع طبیعی و حمایت از حقوق نسل‌های آینده، تضمین دسترسی برابر به منابع طبیعی و برقراری توازن میان منابع در دسترس و مصرف کالاها و خدمات. این دلایل برای توجیه اساسی سازی تولید و مصرف پایدار کافی و تأثیرگذار به نظر می‌رسند.

هنجار سازی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

با تقویت مباحث توسعه پایدار در جامعه جهانی تولید و مصرف پایدار به تدریج تبدیل به یک هنجار حقوقی بین‌المللی می‌شود و اسناد بین‌المللی متعددی دولت‌ها را به نهادینه کردن تولید و مصرف پایدار کالاها و خدمات در نظام حقوقی خود فرا می‌خوانند. بخشی از این تحول را باید در گسترش اساسی سازی برخی هنجارهای مهم جهانی مانند حفظ صلح و محیط‌زیست جستجو کرد (Brown, 2102: 225) و بخشی دیگر به این امر بر می‌گردد که با اساسی سازی هنجارهایی که جنبه جهانی دارند نوعی اطمینان خاطر متقابل میان دولت‌ها در پذیرش مشترک و احترام‌همگانی به چنین هنجارهایی ایجاد می‌شود. راهبرد حفاظت از زمین از دولت‌ها می‌خواهد تا حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی را در قوانین اساسی و عادی خود مندرج کنند (IUCN, 1991). بخش ۴ دستور کار ۲۱ دولت‌ها را به اتخاذ الگوهای تولید و مصرف پایدار ترغیب می‌کند (Agenda 21, 1992). طبق ماده ۸/ اعلامیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه (Rio Dec., 1992) جهت نیل به توسعه پایدار و کیفیت بالاتر زندگی برای همگان، دولت‌ها باید الگوهای تولید و مصرف ناپایدار را کاهش دهند. مقدمه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص هماهنگی با طبیعت (۲۰۱۵) بر ضرورت تغییر الگوهای تولید و مصرف تأکید کرده و از کشورها می‌خواهد تا تولید و مصرف پایدار را ترویج کنند (UN/A/RES/70/208). تضمین روش‌های تولید و مصرف پایدار هدف دوازدهم قطعنامه شماره ۷۰/۱ سال ۲۰۱۵ سازمان ملل (UN/A/res/70/1) است که طی آن از دولت‌ها خواسته می‌شود تا طی یک برنامه ده ساله تمام روش‌های ممکن را برای ترویج و کاربست تولید و مصرف پایدار منابع طبیعی را در کشور خود اجرا کنند. بخش سوم برنامه اقدام ژوهانسبورگ ضمن تأکید بر نقش کلیدی تولید و مصرف پایدار در پیگیری توسعه پایدار دولت‌ها را به اتخاذ یک برنامه اجرایی ۱۰ ساله برای این هدف فرا می‌خواند (UNWSSD,)

2002). مجموعه برنامه‌های ده ساله سازمان ملل برای الگوهای تولید و مصرف پایدار مجموعه برنامه‌های شش‌گانه‌ای است که سازمان ملل با هدف توسعه الگوهای تولید و مصرف پایدار در کشورها ترویج می‌دهد: آگاه‌سازی مصرف‌کننده، آموزش و سبک زندگی پایدار، تأمین پایدار کالاهای عمومی، ساخت‌وساز پایدار، گردشگری پایدار و نظام‌های غذایی پایدار (UNCED, 2012). بهره‌وری در استفاده از منابع طبیعی و انتخاب الگوهای تولید و مصرف پایدار همچنین یکی از ارکان اصلی اقتصاد سبز است که در بندهای ۵۸، ۶۰ و ۲۲۴ تا ۲۲۶ اعلامیه ریو ۲۰+ موسوم به *آینده‌ای که می‌خواهیم* به‌عنوان یک راهکار گریزناپذیر برای توسعه پایدار مورد تأکید واقع شده است (UNGA Res. 66/288).

اتحادیه اروپا نیز اقدامات شایان توجهی برای تشویق دولت‌های عضو به پایدارسازی فرایند تولید و مصرف انجام داده است. *راہبرد توسعه پایدار اتحادیه اروپا* (EC Com, 2001) از دولت‌های عضو می‌خواهد تا تدابیری باثبات برای تشویق نوآوری در اقتصاد و صنعت، اعمال ضوابطی پویا برای عملکرد واحدهای تولیدی، استفاده از برچسب‌های کالاهای همساز با محیط‌زیست، استانداردسازی و ترویج طراحی و تولید کالاهای همساز با محیط‌زیست، تشویق روش‌های تولیدی پاک‌تر، تشویق بهره‌وری در تولید و مصرف، بازاریابی و تجاری‌سازی کالاهای سبز و فناوری‌های پاک اتخاذ و اجرا کنند. *ابلاغیه راهبرد استفاده پایدار از منابع طبیعی* (EC COM, 2005) خواستار کاهش آثار محیط‌زیستی استفاده از منابع طبیعی و کاهش وابستگی اقتصادی به این منابع می‌شود. *نقشه راه برای اروپای بهره‌ور در منابع* (EC COM. 2011a) دولت‌های عضو اتحادیه را به افزایش بهره‌وری منابع، قطع وابستگی رشد اقتصادی از بهره‌برداری از منابع، ارتقای کیفیت کالاها و اصلاح الگوهای تولید و مصرف، افزایش چرخه عمر مواد و ارتقای امنیت تأمین کالاها و خدمات تشویق می‌کند. *ابلاغیه اروپای بهره‌ور در منابع* (EC COM. 2011b) خواستار اتخاذ راهبردهای مقتضی برای ارتقای بهره‌وری در استفاده از منابع طبیعی به‌منظور پویاسازی اقتصاد با کاهش استفاده از منابع، تضمین امنیت در تأمین منابع اساسی و کنترل آثار بهره‌برداری از منابع می‌شود. *توصیه‌نامه شورای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در زمینه بهره‌وری منابع* (OECD, 2008) دولت‌های عضو را به حفظ و پایدارسازی چرخه مواد خام و اتخاذ راهکارهای لازم برای ارتقای بهره‌وری منابع فرا می‌خواند. *ابلاغیه راهبردی برای نوآوری در رشد پایدار: اقتصاد زیستی برای اروپا* (EC COM. 2012) نیز دولت‌های عضو را به اتخاذ تدابیری برای تحقیق و نوآوری در

حفاظت و استفاده بهینه از منابع زیستی تجدیدپذیر به منظور حفظ چرخه ارزش این منابع تشویق می کند.

در دهه اخیر حرکت از اقتصادهای مبتنی بر تولید - مصرف - انتشار پسماند به سمت الگوی اقتصاد چرخه‌ای^۱ مورد توجه واقع شده که بر سه رکن اساسی متکی است: کاهش (کاهش استفاده از مواد در فرایند تولید و مصرف)؛ بازاستفاده (استفاده بیشتر و افزایش طول عمر کالاها) و بازیافت (استفاده دوباره از کالاهای پسمانده و بازگرداندن آنها به چرخه تولید و مصرف). در همین راستا می توان به *ابلاغیه کمیسیون اروپا در خصوص راهبرد اقتصاد چرخه‌ای* (EC COM., 2015) اشاره کرد که دولت‌های عضو را به حمایت از اقتصاد چرخه‌ای در تمام مراحل زنجیره ارزش کالا از تولید تا مصرف، تعمیر و بازسازی، مدیریت پسماند و بازیافت مواد فرا می خواند که شامل اقداماتی مانند بهینه‌سازی طراحی و تولید کالاها، جلوگیری از فساد و هدر رفت مواد، افزایش مسئولیت تولید کننده کالا برای تولید کالاهای باکیفیت‌تر، اصلاح شیوه‌های مصرف و برچسب گذاری کالا، کاهش استفاده از مواد خام، مدیریت پسماند و توسعه بازار کالاهای دست دوم و بازیافتی می شود.

هنجار سازی در حقوق ملی

با ترویج اساسی سازی حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی در قوانین اساسی بسیاری از کشورها در دهه‌های اخیر، ضرورت تولید و مصرف پایدار نیز به تدریج وارد قوانین اساسی و پایه کشورها شده و به یکی از ارکان اصلی برنامه‌های توسعه پایدار کشورها تبدیل می شود (OECD, 2008: 8,9) و می توان گفت که قوانین اساسی کشورها در آینده با حساسیت بیشتری به هنجاری کردن این الگو گرایش خواهند یافت. در اینجا به برخی از نمونه‌های موجود اشاره می شود. قانون اساسی اکوادور (۲۰۰۸) در ماده ۶۶ حق بر دسترسی به کالاهای با کیفیت و بهینه را به رسمیت می شناسد و در بند ۹ ماده ۲۸۴ و ماده ۳۰۸ بر ضرورت تشویق مصرف مسئولانه از لحاظ اجتماعی و محیط زیستی تأکید می کند. به موجب ماده ۴۰۸ این قانون دولت باید تضمین کند که کلیه سازوکارهای تولید و مصرف منابع طبیعی و انرژی چرخه‌های طبیعت را حفظ و ترمیم می کند و

1. Circular Economy

اجازه تداوم حیات به طبیعت را می‌دهد. به موجب بند ۱ ماده ۱۲ قانون اساسی فیلیپین (۱۹۸۷) دولت باید از صنایعی که از منابع طبیعی استفاده بهینه می‌کنند حمایت کند. مقدمه منشور محیط‌زیست فرانسه از تأثیر مخرب برخی روش‌های تولید و مصرف و بهره‌کشی افراطی از منابع طبیعی بر تنوع زیستی ابراز نگرانی می‌کند (Loi constitutionnelle n° 2005-205). قانون اساسی بولیوی (۲۰۰۹) نیز اصول متعددی در زمینه تولید و مصرف پایدار مقرر می‌دارد: شناسایی حق بر مصرف کالاها و خدمات سالم و باکیفیت و دسترسی به اطلاعات مربوط به آنها (ماده ۷۵)، وظیفه عمومی نسبت به حفاظت و استفاده پایدار از منابع طبیعی به نفع نسل‌های امروز و آینده (بند ۱۵ ماده ۱۰۸)، وظیفه دولت مبنی بر استفاده مسئولانه از منابع طبیعی (بند ۶ ماده ۹ و ماده ۳۴۶)، مدیریت چرخه تولید در منابع طبیعی (بند ۱ ماده ۳۰۶ و بند ۵ اصل ۳۱۳)، اکتانای بهره‌برداری از منابع طبیعی بر بهره‌وری، توسعه پایدار و حفظ طبیعت (بند ۳ ماده ۳۱۱) و ترویج تولید همساز با محیط‌زیست (بند ۶ ماده ۳۱۶ و بند ۱ ماده ۳۱۹). به موجب ماده ۲۰ (a) قانون اساسی آلمان دولت باید به حفاظت از منابع طبیعی اساسی به‌ویژه برای نسل‌های آینده از طریق قانون‌گذاری و اقدامات قضایی اقدام کند (German Constitution, 2012). بند ۲ ماده ۴۵ قانون اساسی اسپانیا نهاد‌های عمومی را مکلف به استفاده معقول از منابع طبیعی با هدف حفظ محیط‌زیست و کیفیت زندگی می‌کند (Spain Constitution, 1978). ماده ۴۶ قانون اساسی بلاروس (Belarus Constitution, 2004) و ماده ۴۱ قانون اساسی آرژانتین (Argentine Constitution, 1994) نیز دولت را به نظارت بر استفاده معقول از منابع طبیعی مکلف می‌سازند. با این حال بخش سوم گزارش دبیر کل سازمان ملل در خصوص اهداف و موضوعات کنفرانس توسعه پایدار خاطر نشان می‌کند که با وجود انجام برخی اقدامات لازم برای توسعه اقتصاد سبز توسط برخی کشورها، هنوز این اقدامات در مجموع نتوانسته است تغییرات لازم را در الگوی تولید و مصرف جوامع خود برای رویارویی با چالش‌های محیط‌زیستی ایجاد کند (UNDESA, 2011) و بنابراین پایدارسازی الگوی تولید و مصرف مستلزم اقدامات چندبعدی هماهنگ برای تغییرات مؤثر در نظام تولید و مصرف در کشورها است.

بند ۶ اصل ۴۳ قانون اساسی ایران نیز یکی از اصول نظام اقتصاد کشور را "منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات" اعلام می‌کند. اسراف در منابع طبیعی را می‌توان به معنای مصرف منابع بیش‌از حد توان پایداری

اکوسیستم‌ها و تبذیر را نیز به معنای استفاده نادرست و غیراصولی از این منابع دانست که این دو عبارت در مجموع به استفاده افراطی و نامعقول از منابع دلالت دارد. بنابراین نظام تولید و مصرف به‌عنوان مهم‌ترین رکن اقتصادی جامعه باید به سمتی تحول یابد که کمترین میزان هدر رفت و بهترین شیوه استفاده از منابع طبیعی را تضمین کند. البته بند ۶ این اصل با اصول ۴۵ و ۵۰ بی‌ارتباط نیست و باید در کنار هم تفسیر شوند. از این رو با توجه به مجموع این سه اصل می‌توان گفت که قانون‌گذار اساسی سه رکن مهم توسعه پایدار یعنی توسعه اقتصادی و اجتماعی، حفظ محیط‌زیست و رعایت عدالت برای نسل‌های امروز و آینده را شناسایی کرده و زمینه اولیه برای اساسی‌سازی تولید و مصرف پایدار را فراهم نموده است. چراکه مهم‌ترین پایه تولید و مصرف پایدار، کاهش اسراف و تبذیر در استفاده از منابع طبیعی کشور و بهره‌برداری معقولانه و عادلانه از آنها است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که گام‌های اساسی اولیه برای اساسی‌سازی تولید و مصرف پایدار نه فقط در برخی نظام‌های حقوقی ملی بلکه در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای نیز به تدریج برداشته شده و این اصل در کنار دیگر اصول حقوق منابع طبیعی و محیط‌زیست متعین می‌گردد.

صیانت توسط نهاد ناظر قانون اساسی

اندراج یک هنجار حقوقی در قانون اساسی ایجاب می‌کند تا صیانت‌های لازم از آن توسط نهاد ناظر قانون اساسی چه در مرحله قانون‌گذاری عادی و چه رعایت حقوق شهروندان به عمل آید. تصویب و اجرای قوانین و مقررات هزینه‌های زیادی بر جای می‌گذارد که در تحلیل نهایی این هزینه‌ها بر منابع طبیعی فشار وارد می‌کنند و احتمال دارد این هزینه‌ها نوعی اسراف و تبذیر منابع باشند (Jacobs, 2006: 5). بدیهی است که اگر در جریان تصویب و اجرای این قوانین و مقررات ارزیابی‌های دقیق اولیه و ثانویه انجام شود، منابع کمتری صرف شده و در نتیجه اسراف و تبذیر کمتری صورت خواهد گرفت. مخاطب بند ۶ اصل ۴۳ فقط مردم و بخش خصوصی نیست بلکه نهادهای حکومتی را نیز شامل می‌شود و این نهادها نیز باید در برنامه‌ریزی، مقررات‌گذاری، بودجه‌ریزی و انجام وظایف خود به صیانت از منابع طبیعی از طریق ممنوعیت اسراف و تبذیر بپردازند. بنابراین هنگامی که تولید و مصرف پایدار به‌عنوان یک هنجار اساسی مطرح می‌شود نهاد ناظر قانون اساسی باید هر قانونی را که به نوعی زمینه اسراف و تبذیر در بهره‌برداری از منابع

طبیعی، امکانات و بودجه نهادهای دولتی را فراهم آورد مغایر با قانون اساسی اعلام کند. لازمه چنین صیانتی این است که این نهاد در بررسی قوانین مصوب مجلس، آثاری که این قوانین بر وضعیت منابع طبیعی کشور وارد می‌کنند را از جهت جلوگیری از اسراف و تبذیر این منابع مورد ارزیابی قرار دهد و با استفاده از این مفهوم به ارزیابی قوانین اقتصادی و اجتماعی پردازد و اطمینان حاصل کند که این هنجار اساسی رعایت شده است یا نه.

در ارزیابی آثار قانون‌گذاری، مقام قانون‌گذار پیش از تصویب هر مصوبه تأثیرگذار بر وضعیت منابع طبیعی کشور باید نحوه و میزان تأثیر این مصوبه را ارزیابی کرده و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آیا این مصوبه باعث اسراف و تبذیر در بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور می‌شود یا نه؟ آیا تولید کنندگان و مصرف کنندگان را به اتخاذ الگوهای تولید و مصرف پایدار تشویق می‌کند یا نه؟ آیا اجرای این مصوبه صرف هزینه‌ها و منابع چشمگیر یا آثار ناخواسته و پیش‌بینی نشده‌ای در بر دارد یا نه (Boothroyd, 2000: 132). یکی از آثار قوانین و مقررات که در جریان تصویب آنها اغلب مورد توجه و ارزیابی شایسته قرار نمی‌گیرد آثاری است که این مقرره بر وضعیت منابع طبیعی و فرایند تولید و مصرف به جای خواهد گذاشت. با توجه به اینکه ارزیابی آثار مقررات-گذاری در حقوق ایران مورد توجه لازم قرار نگرفته به شکل نظام‌مندی تبدیل به مرحله الزامی در فرایند قانون‌گذاری نشده است، بعید نیست که در فرایند قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری، مصوباتی وضع شوند که آثار اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی سنگینی مانند تشدید اسراف و تبذیر در منابع کشور بر جای بگذارند. بنابراین شورای نگهبان به‌ناچار باید با دقت بیشتری آثار منفی قوانین را بر منابع طبیعی کشور مورد تحلیل قرار دهد.

ممنوعیت اسراف و تبذیر، با وجود اهمیت آن، در نظریات شورای نگهبان مورد توجه شایسته-ای قرار نگرفته است. نظریه شماره ۷۸/۲۱/۵۸۵۸ مورخ ۱۳۷۸/۹/۳۰ این شورا یکی از نظریات نادری است که لایحه قانون برنامه سوم توسعه را به این دلیل که معادل‌سازی هزینه مصرف برق در مناطق گرمسیر و سردسیر منجر به افزایش مصرف انرژی می‌شود مغایر با بند ۶ اصل ۴۳ قانون اساسی اعلام کرده است (شورای نگهبان، ۱۳۹۴، ۳۹۰). در آرای دیوان عدالت اداری نیز به‌طور استثنایی می‌توان به رأی شماره هـ/ع/۱۱۹۵/۹۴ مورخ ۹۵/۱۰/۲۹ مثال زد که خواهان طی شکایتی خواستار ابطال بخشنامه شماره ۹۰/۱۳۵۷۳۰ مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۵ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به دلیل مغایرت آن با بند ۶ اصل ۴۳ قانون اساسی و تلف کردن سرمایه عمومی و اسراف و تبذیر -

شد. البته هیأت تخصصی دیوان بخشنامه مورد شکایت را به دلیل اینکه در تبیین حکم مقنن و شیوه‌های اجرایی آن بوده، خلاف قانون و خارج از اختیار تشخیص نداده و شکایت را رد کرد. شاید یکی از دلایل اصلی بی‌توجهی به این هنجار اساسی پیچیدگی زیاد در تحلیل و ارزیابی میزان و قابلیت قوانین در اسراف و تبذیر منابع باشد. چراکه تحلیل اینکه آیا تصویب و اجرای یک قانون تا چه اندازه به اسراف و تبذیر منابع می‌انجامد مستلزم تحلیل‌های پیچیده اقتصاد طبیعی است. اما با توجه به اهمیت این مسئله به‌منظور ارائه تحلیلی منطقی از میزان اسراف و تبذیر منابع در مصوبات مجلس و دولت در بررسی استفاده و تخصیص بهینه منابع طبیعی به‌ناچار باید از این تحلیل‌ها کمک گرفت^۱ تا دلایل توجیهی منطقی برای قانون‌گذاری در زمینه استفاده از منابع ارائه شود.

توسعه هنجاری در نظام قانون‌گذاری

رکن سوم اساسی سازی تولید و مصرف پایدار، تصویب و اجرای قوانین و مقررات مقتضی برای توسعه هنجاری این الگوی تولید و مصرف است تا اینکه این ارزش اساسی صرفاً در حصار الفاظ قانون اساسی محصور نماند. بر این اساس برخی از کشورها اقدام به متعین ساختن تولید و مصرف پایدار در قوانین مهم و خط‌مشی‌های کلی خود کرده‌اند. به‌عنوان مثال مواد ۱۲ و ۱۴ قانون مادر طبیعت و توسعه یکپارچه برای زندگی خوب بولیوی دولت را مکلف به ترویج الگوهای مصرف معقول و پایدار و محدود کردن مصرف بیش از حد و آلاینده می‌سازد (Ley N° 300, 2012). قانون مدیریت منابع نیوزلند (Resource Management Act 1991) و برنامه ملی توسعه رشد سبز اوگاندا (Uganda, 2017) راهکارهایی برای بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی ارائه می‌دهند. دستورالعمل رئیس جمهور روسیه راجع به گذار روسیه به سوی توسعه پایدار (Указ 1996) در بندهای ۳ و ۴ از دولت می‌خواهد تا اقدامات لازم را برای ترویج و تنظیم روند تولید و مصرف معقول کالاها همسو با توان طبیعی محیط‌زیست و تهیه شاخص‌های لازم به‌منظور مشخص ساختن

۱. برای نمونه بنگ. پرمن و همکاران، ۱۳۹۲: فصل‌های ۴ و ۵.

میزان و نحوه مصرف کالاها در کشور انجام دهد. بخش سوم راهبرد توسعه پایدار رومانی برای سال ۲۰۳۰ (Romania, 2008) راهکارهایی برای منطقی ساختن تولید و مصرف و کاهش وابستگی به منابع طبیعی ارائه می‌دهد.

در دهه اخیر در ایران نیز با توجه به تأکید قانون اساسی و با افزایش مشکلات ناشی از اتلاف منابع طبیعی و پایه، به تدریج از طریق سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری نسبت به ترویج الگوهای تولید و مصرف پایدار اقدام شده است.^۱ حاصل این رویکرد تقنینی، تصویب اسناد مختلفی شامل سیاست‌های کلی نظام، قوانین برنامه توسعه پنجساله، قوانین محیط‌زیستی و دیگر قوانین مرتبط است که مستقیماً به این ضرورت پرداخته‌اند. البته هنوز نمی‌توان از وجود یک نظام حقوقی منسجم و مبتنی بر سازوکارهای برای تضمین تولید و مصرف پایدار صحبت کرد.

توسعه این هنجار اساسی در بدنه نظام حقوقی کشور فرایندی پیچیده‌تر از تصویب یک قانون خاص است. قانون‌گذار باید در تصویب هر قانونی به این پرسش پاسخ مقتضی دهد که آیا اجرای این قانون منجر به اسراف و تبذیر در بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌شود یا نه؟ چه قوانینی برای کاهش اسراف و تبذیر منابع طبیعی و تضمین استفاده معقول از آن لازم است؟ مهم‌ترین چالش در حمایت حقوقی از تولید و مصرف پایدار این است که نظام حقوقی بدون شناسایی عوامل تولید و مصرف ناپایدار و اینکه دقیقاً چه رفتارها و فرایندهایی به تولید و مصرف مسرفانه و تبذیرآمیز می‌انجامد و چگونه سیاست‌ها، برنامه‌ها، قوانین و مقررات زمینه‌ساز اسراف و تبذیر منابع طبیعی شده یا آن را متوقف کنند، نمی‌تواند عوامل اتلاف‌کننده منابع طبیعی را کنترل کند.

چالش بعدی ارائه راهکارهای مقتضی برای ترویج تولید و مصرف پایدار است از این جهت که ترویج این الگو یک امر چند بعدی و فرابخشی بوده و مستلزم راهکارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی است. دولت برای مداخله در امر اصلاح نظام تولید و مصرف با این چالش روبه‌روست که مداخله از طرق مقررات‌گذاری در امر تولید و به‌ویژه مصرف شخصی شهروندان با استفاده از ابزارهای حقوقی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی چندان مطلوب نیست. همچنین صرف

۱. مانند قوانین برنامه پنجساله توسعه، قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی (۱۳۸۹/۴/۲۳)، قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی (۱۳۸۹/۱۲/۴) و سیاست‌های کلی نظام در مورد منابع طبیعی (۱۳۷۷/۱۰/۲۳).

تکیه بر مباحث اخلاقی و فرهنگی مصرف نمی‌تواند الگوی تولید و مصرف پایدار در جامعه را به‌طور مؤثر نهادینه کند (Hansen & Schrader, 1997: 448-451). بنابراین منحصراً نمی‌توان با ابزارهای حقوقی یا ابزارهای اجتماعی و اقتصادی نظام تولید و مصرف را اصلاح کرد، بلکه مجموعه منسجمی از این ابزارها نیاز است. برخی از مسائل مربوط به تولید و مصرف باید حتماً با استفاده از ابزارهای فرهنگی و اقتصادی حل شوند اما مدیریت کلی نظام تولید و مصرف و جهت‌دهی آن به سمت پایداری ابزارهای حقوقی را نیاز دارد. چراکه ضرورت‌های تولید و مصرف پایدار به‌اندازه‌ای جدی هستند که استفاده از ابزارهای حقوقی الزام‌آور برای ترویج و توسعه این الگوها را ایجاب می‌کنند. اما نظام حقوقی چگونه و با استفاده از چه ابزارهایی اقدام به اصلاح و تنظیم نظام تولید و مصرف می‌کند؟ نظام حقوقی باید با بهره‌گیری از علوم مرتبط همزمان از منافع مصرف‌کننده، تولیدکننده و ارزشی عمومی به نام منابع طبیعی کشور حمایت کرده و میان این سه منفعت توازن ایجاد کند. توسعه و تشویق تولید و مصرف پایدار مهم‌ترین روش برقراری این توازن است که از طریق تدابیر مختلف مقررات‌گذاری شامل مقررات الزام‌آور مانند استانداردهای الزامی تولید پایدار، تدابیر فرهنگی و اجتماعی مانند آموزش و تغییر رفتار مصرف‌کننده، تدابیر اقتصادی مانند مشوق‌های مالیاتی برای تولید بهینه و تشویق به اجرای نظام مدیریت محیط‌زیستی و اجرای داوطلبانه مقررات صورت می‌گیرد (Heiskanen *et al.*, 2009: 392). تعیین و اعمال ضوابط الزام‌آور برای مشخص ساختن حدود مصرف کالاها و خدمات به دلیل ماهیت اقتصادی و اجتماعی خاص آن برای نظام حقوقی دشوار است. این موضوع محل اختلاف در مذاکرات مربوط به توسعه پایدار بوده و برخی آن را عملاً امکان‌ناپذیر می‌دانند (Salzman, 1997: 1247) به ویژه آنکه به‌طور کلی مداخله دولت از طریق مقررات‌گذاری در تولید و مصرف از منظر اقتصادی محل نقد است. پس بهتر است که تنظیم این مورد اساساً از طریق قواعد اقتصادی صورت گیرد. اما نظام حقوقی می‌تواند ضوابطی برای بهینه ساختن فرایند تولید و مصرف اتخاذ کند. در اینجا برخی از راهکارهای مهم برای توسعه و هنجارسازی تولید و مصرف پایدار در نظام حقوقی بررسی می‌شوند که برخی از آنها در حقوق ایران نیز پذیرفته شده‌اند.

یکی از رویکردهای اساسی نظام حقوقی تعیین راهبردها و برنامه‌های کلان برای بهینه‌سازی و اصلاح نظام تولید و مصرف با هدف حفظ زنجیره ارزش کالاها از مواد خام یا یازیافت آنها است. سیاست‌های کلی نظام در مورد اصلاح الگوی مصرف (۱۳۸۹/۰۴/۱۴) جامع‌ترین سند

سیاستی است که راهبردهایی کلی برای اصلاح فرهنگ مصرف، آموزش همگانی الگوی مصرف مطلوب و مقابله با اسراف اتخاذ می‌کند. سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه / ایرانی (۱۳۹۱/۱۱/۲۴) می‌توانست راهبردهایی برای تولید پایدار اتخاذ کند اما صرفاً در بند ۲ بر ارتقاء کیفی و افزایش کمی تولید ملی تأکید کرده است. سیاست‌های کلی نظام در مورد منابع طبیعی (۱۳۷۷/۱۰/۲۳) بر اصلاح نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی و بند ۲-۸ سیاست‌های کلی محیط‌زیست (۱۳۹۴/۸/۲۶) نیز بر اصلاح الگوی تولید در بخش‌های مختلف و بهینه‌سازی الگوی مصرف تأکید می‌کند. اصلاح الگوهای تولید و مصرف به تدریج در قوانین برنامه پنجساله توسعه نیز مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. جزء ۸ بند ۲ بخش دوم قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳/۹/۲۰) نیز دولت را مکلف به گسترش فرهنگ صرفه‌جویی و تبذیر در بخش‌های عمومی و خصوصی می‌کرد. لازمه تحقق اهداف این سیاست‌ها وضع قوانین مقتضی است که تا کنون قانون‌گذار قوانین متناسبی را برای اجرایی ساختن این سیاست‌ها تصویب نکرده است.

صیانت از منابع طبیعی

حفظ و صیانت از منابع اولیه و جلوگیری از اتلاف این منابع باید از مهم‌ترین اهداف هر نظام حقوقی باشد و در حقوق ایران نیز همانگونه که اشاره شد قوانین چندی برای این منظور تصویب شده است. اما چالش اصلی در این زمینه نبود ضوابطی برای نحوه صیانت از کیفیت و کمیت منابع خام اولیه و حفظ ارزش این منابع است. یکی از اصلی‌ترین دلایل تولید و مصرف ناپایدار نداشتن درکی درست از ارزش واقعی منابع طبیعی است. استفاده معقولانه از این منابع در گرو درک و محاسبه ارزش واقعی آنها است. حسابرسی محیط‌زیستی و تهیه حساب‌های منابع طبیعی یک راهکار مناسب برای این منظور است که در تبصره ۱ و ۲ ماده ۱۹۲ قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۹/۱۰/۱۵) مطرح شده و دولت را مکلف کرده بود ارزش اقتصادی منابع محیط‌زیستی را در حساب‌های ملی محاسبه کرده و دستورالعمل‌های محاسبه ارزش‌ها و هزینه‌های منابع طبیعی مهم را تنظیم کند.

اصلاح نظام تولید و مصرف

به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران در توسعه قواعد حقوقی ناظر بر تولید و مصرف پایدار عمدتاً

به کاهش سطح مصرف تأکید داشته چرا که در اغلب قوانین و مقررات مرتبط با این موضوع از عبارات‌های صرفه جویی، قناعت و کاهش مصرف استفاده کرده است. با آنکه کاهش سطح مصرف برای پایدارسازی تولید و مصرف ضرورت دارد اما ارتقای کیفی شیوه تولید و مصرف نیز باید توسط قانون‌گذار توسعه یابد. برخی راهبردها در این خصوص عبارتند از:

تعیین شاخص‌های تولید و مصرف پایدار

یکی از مهم‌ترین چالش‌های الگوی تولید و مصرف پایدار تعیین این است که چه نوع تولید و مصرفی پایدار است و به عبارت بهتر حد مطلوب تولید و مصرف برای حفظ پایداری منابع اولیه چیست؟ البته اساساً ارائه تعریفی ثابت و مشخص از الگوهای تولید و مصرف دشوار بوده و مفاهیم حدافلی و حداکثری از آن استنتاج می‌شود (Fuchs & Lorek, 2005: 262). با این حال برای مدیریت بهتر منابع طبیعی و پایدارسازی فرایند تولید و مصرف، شاخص‌های اولیه‌ای باید در مقررات تعیین شود تا بتوان الگوهای مناسبی برای این منظور تهیه و اجرا کرد مانند شاخص بهره‌برداری از منابع طبیعی، چرخه‌های مواد خام، میزان تولید آلودگی و پسماند.^۱ تنها مصوبه مرتبط در این زمینه آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۵ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه در خصوص شاخص‌های پایداری محیطی (۱۳۹۱/۲/۱۰) است که با آنکه سازمان حفاظت محیط‌زیست را مکلف به تعیین شاخص‌های پایداری محیطی می‌کند، اما ضرورت تهیه شاخص‌های تولید و مصرف پایدار در این آیین‌نامه نادیده مانده است.

اصلاح نظام تولید و توزیع کالاها

از دلایل اصلی اتلاف و تبذیر منابع و مواد اولیه در جریان تولید و اتلاف کالاها در جریان مصرف، کیفیت پایین تولید و بازیافت ناپذیر بودن یا توزیع نامناسب کالاها است. کنترل کیفیت: کالا می‌تواند در کل چرخه حیات خود یعنی از استخراج مواد خام و تولید تا مصرف و دور ریزی به محیط‌زیست آسیب زند. یکی از راهکارهای پیشنهادی کنترل کیفیت آثار

1. See UNEP, 2014c, PP. 9, 21 and also UNEP, 2014d, P. 9.

محیط‌زیستی تولید و مصرف کالاها در کل چرخه حیات آنها از طریق وضع مقررات مقتضی (Bauer, 2018: 323) و توسعه مسئولیت تولید کننده و مصرف کننده نسبت به تولید و مصرف درست کالا است. هر دو راهکار در اتحادیه اروپا مورد توجه واقع شده است.^۱ برنامه پنجم اقدام محیط‌زیستی این اتحادیه (EU EAP, 1992) از دولت‌های عضو می‌خواهد تا تدابیر دقیق‌تر و جدی‌تری برای الزام به طراحی و تولید کالاها سالم از لحاظ محیط‌زیستی اتخاذ کنند. همچنین توسعه مسئولیت تولید کننده نیز در دستورالعمل اتحادیه اروپا راجع به خودروهای اوراکی (Directive 2000/53/EC) مصرح شد که بر مبنای آن تولید کننده باید خودروهایی تولید کند که قابلیت بیشتری برای بازیافت داشته و صدمات کمتری به محیط‌زیست وارد کند. در حقوق ایران تا کنون موازین مشخصی برای مسئولیت تولید کننده در مورد تولید کالاها سالم از لحاظ محیط‌زیستی وضع نشده است. البته ماده ۴ قانون مدیریت پسماندها (۱۳۸۳/۲/۲۰) دستگاه‌های اجرایی ذی ربط را موظف می‌کند تا برای بازیافت و دفع پسماندها تدابیر لازم را به ترتیبی اتخاذ نمایند که تولید و مصرف، پسماند کمتری ایجاد نماید. همچنین ماده ۱۴ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد (۱۳۹۶/۷/۱۱) به سازمان ملی استاندارد اجازه می‌دهد تا با تصویب شورای عالی استاندارد، اجرای استانداردهایی را که از نظر آیین‌های حفظ محیط‌زیست، اطمینان از کیفیت، و یا سایر جهات اقتصادی ضروری باشد اجباری اعلام نماید.

ارتقای بهره‌وری: یکی از اساسی‌ترین اقدام‌های لازم برای پایدارسازی تولید و مصرف، ارتقای بهره‌وری در تولید و مصرف است. منظور از بهره‌وری تولید یک کالا با کمترین هزینه و بالاترین کیفیت بوده و منظور از بهره‌وری در مصرف یعنی بردن بهترین و بیشترین استفاده از یک کالا است.^۲ به‌عنوان مثال استفاده از فضا و انرژی کمتر برای تولید، استفاده از مواد با کیفیت در تولید، طراحی مناسب کالا، استفاده حداکثری از کالا، بازسازی و بهسازی به جای دور اندازی کالای مصرف شده و بازیافت پسماندها از روش‌های اعمال بهره‌وری در تولید و مصرف است. شیوه مصرف کالاها و آثار محیط‌زیستی آنها تا حدود زیادی به فرایند و شیوه تولید آن کالاها

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. آژانس محیط زیست اروپا، ۱۳۹۳.

۲. ر.ک. تصویب نامه در خصوص برنامه جامع بهره‌وری کشور (۱۳۹۴/۵/۲۵)

بر می گردد و بنابراین اگر فرایندهای تولیدی اصلاح شوند، شیوه مصرف نیز بهینه می شود. اعمال روش های ارتقای بهره وری در تولید، می تواند به کاهش اتلاف منابع انسانی و طبیعی، افزایش سود و بازدهی و کاهش آلودگی ناشی از فعالیت های موسسه منجر شود (Abler & Shortle, 1995: 22).

ارتقای بهره وری در تولید و مصرف کالاها و خدمات ابزارهای اقتصادی، اجتماعی و حقوقی مختلفی را لازم دارد. در دهه های خیر الزام یا تشویق به بهره وری در فعالیت های مختلف اقتصادی در قوانین مورد توجه واقع شده است. به عنوان مثال ماده ۱ قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی (۱۳۸۹/۴/۲۳) وزارت جهاد کشاورزی را به ارتقاء بهره وری و اصلاح الگوهای تولید و مصرف در بخش کشاورزی و منابع طبیعی مکلف می کند. ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور (۱۳۹۴/۲/۱) برخی تسهیلات مالی برای ارتقای کیفیت، صرفه جویی یا کاهش هزینه در تولید کالا یا خدمت و بهبود کیفیت محیط زیست ارائه می دهد. همچنین بهره وری در بهره برداری از منابع در قوانین برنامه توسعه به تدریج مورد توجه قرار می گیرد به عنوان مثال در ماده ۱۰۹ قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹/۱/۱۷)؛ مواد ۳، ۵ و ۱۷ قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۳/۶/۱۱)؛ مواد ۷۵، ۱۴۱، ۱۴۳ و ۱۴۷ قانون برنامه پنجم و مواد ۳۱، ۳۵، ۳۶ و بند (ح) ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۵/۱۲/۱۴). هیأت دولت با تصویب تصویب نامه در خصوص برنامه جامع بهره وری کشور در صدد ارتقای بهره وری با هدف توسعه پایدار در کشور برآمده است.

با وجود اتخاذ این سازکارها باید گفت که بهره وری هنوز تبدیل به یک الزام حقوقی نشده و نظام حقوقی مشوق های چشمگیری را برای اجرای داوطلبانه راهبردهای بهره وری در تولید و مصرف کالاها ارائه نمی دهد. البته به نظر می رسد به جای استفاده از ابزارهای حقوقی برای الزام تولید کننده و مصرف کننده به افزایش بهره وری در تولید و مصرف کالاها بهتر است بر ابزارهای اقتصادی و سازوکارهای تشویقی برای حمایت از تولید کالاها بهره ور تکیه کرد. در دهه اخیر سازوکارهای دیگری نیز برای توسعه بهره وری در تولید و مصرف ایجاد شده اند که اغلب در مصوبات اتحادیه اروپا که در گفتار یکم اشاره شد تصریح شده اند ولی در حقوق ایران نادیده مانده اند از جمله:

۱. قطع وابستگی از منابع طبیعی: یعنی استفاده کمتر از این منابع ضمن حفظ رشد اقتصادی و

افزایش چرخه عمر کالاها به منظور استفاده بهتر و بیشتر از این کالاها. به همین منظور راهبردهای اقتصادی کشور باید اولویت‌های تولید کالاها و خدمات را برده‌ی و مهم را تنظیم کنند.

۲. الزامی ساختن ارزیابی چرخه حیات کالاها: طی این ارزیابی آثار محیط‌زیستی در هر یک از مراحل عمر کالا از مرحله استخراج مواد اولیه برای تولید تا ساخت، مصرف و دفع کالاها بررسی و محاسبه می‌شود و نتایج این محاسبات در اختیار تولید کنندگان، مصرف کنندگان و مقامات تصمیم‌گیر و اجرایی قرار داده می‌شود تا بتوانند با آگاهی بهتری به تولید و مصرف کالاها پردازند. یکی از مهم‌ترین عناصر این ارزیابی بررسی میزان قابلیت استفاده مفید از کالا است. چنانچه کالایی بر حسب نوع آن کالا قابلیت استفاده مفید کمتری داشته باشد، فشار بیشتری بر منابع طبیعی وارد خواهد کرد چراکه مصرف کننده کالا ناچار به تعویض آن خواهد شد و این یعنی مصرف بیشتر. این روش ارزیابی باید در استانداردسازی و حذف کالاهای ناپایدار از چرخه تولید و مصرف اعمال شود.

۳. تشویق نوآوری نیز از راهکارهای دیگر است که طی آن دولت‌ها باید با توسعه ابزارهای داوطلبانه واحدهای تولیدی را به نوآوری در تولید تشویق کنند چراکه نوآوری در تولید ضمن افزایش بهره‌وری، هزینه‌های تولید را کاهش داده و صرفه‌جویی بیشتر در استفاده از منابع را به همراه دارد (OECD, 2003: 14,22).

اصلاح الگوهای مصرف

با توجه به اینکه یکی از عوامل اصلی اتلاف منابع، روش‌های اسراف‌آمیز و نادرست کالاها است، این پرسش مطرح می‌شود که نظام حقوقی باید چه نقشی در اصلاح الگوهای مصرف داشته باشد. با آنکه قانون‌گذار می‌تواند از طریق وضع استانداردهای تولیدی، الگوهای تولید کالاها را تا حدودی تنظیم کند اما الزام شهروندان به مصرف معقول به دلیل آمیختگی آن با سبک زندگی شخصی افراد اساساً نیازمند راهکارهای فرهنگی و سپس اقتصادی است و تعیین شیوه و حدود مطلوب برای مصرف شهروندان در صلاحیت قوانین نمی‌گنجد. هر چند کنترل الگوهای مصرف در نهادهای عمومی به دلیل ماهیت عمومی آنها توسط سازوکارهای حقوقی قابل تنظیم است.^۱

۱. ر.ک. آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۰ قانون برنامه پنجم توسعه در خصوص مدیریت سبز (۱۳۹۰/۱۱/۹)

شاید به همین دلیل بوده است که حقوق ایران مداخله نظام‌مندی در امر اصلاح الگوی مصرف نداشته و صرفاً به‌طور استثنایی می‌توان به قانون توزیع عادلانه آب (۱۳۶۱/۱۲/۱۶) و تصویب‌نامه در خصوص الگوی مصرف آب در مصارف مختلف (۱۳۸۸/۱/۲۳) اشاره کرد که برخی موازین مصرف آب را مشخص می‌کند. قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی (۱۳۸۹/۱۲/۴) نیز مقرراتی در زمینه صرفه‌جویی در زمینه مصرف انرژی بیان می‌دارد که لازم است چنین قانونی در زمینه اصلاح الگوی مصرف کالاها و خدمات نیز تصویب شود.

در اینجا نظام حقوقی باید از سازکارهایی استفاده کند که مصرف‌کننده را متوجه اهمیت حفظ منابع طبیعی ساخته و او را به پرداخت سهم خود در صیانت از این منابع و اتخاذ داوطلبانه الگوهای مصرف پایدار تشویق کند.

۱. راهکارهای مالی: مشارکت مصرف‌کننده در پرداخت هزینه‌های تولید یکی از راهکارهای اصلی در اصلاح الگوی مصرف است. با آنکه به‌موجب اصل پرداخت توسط آلاینده، هزینه‌های آلودگی باید توسط تولیدکننده پرداخت شود، اما انصاف و حمایت از تولیدکننده نیز ایجاب می‌کند که مصرف‌کننده نیز سهمی در پرداخت این هزینه‌ها داشته باشد و همانگونه که بند ۱۳ بخش دوم گزارش دبیر کل سازمان ملل در خصوص اهداف و موضوعات کنفرانس توسعه پایدار (UNDESA, 2011) نیز تأکید می‌کند هزینه‌های حفظ محیط‌زیست باید در قیمت کالاها محاسبه و درونی شوند. به‌عنوان مثال اعمال مالیات‌های محیط‌زیستی بر کالاها و وضع عوارض بر دفع پسماند مصرف‌کننده را به‌طور غیر مستقیم به اصلاح الگوی مصرف خود تشویق می‌کند. در مورد مالیات‌های محیط‌زیستی بر کالاها مصوبه خاصی تصویب نشده است.

۲. آگاه‌سازی مصرف‌کننده: آموزش و استفاده از ابزارهای اطلاع‌رسانی برای اصلاح الگوی مصرف باید به‌طور نظام‌مند، پیوسته و مؤثر صورت گیرد تا بتواند افراد را به اصلاح الگوهای مصرف خود ترغیب کند. به همین دلیل بخشی از وظایف نهادهای فرهنگی، آموزشی و محیط‌زیستی باید به‌طور اختصاصی به این زمینه اختصاص یابد. برچسب‌گذاری محیط‌زیستی کالاها به‌منظور اطلاع از محتویات، آثار احتمالی محیط‌زیستی و نحوه بازیافت کالا یک راهکار مناسب برای آگاه‌سازی مصرف‌کننده و مدیریت مصرف در خانه است که در این زمینه می‌توان

به بند ۱ ماده آل ۱-۲۲۴ کد محیط‌زیست فرانسه اشاره کرد که به دولت اجازه می‌دهد تا کارخانجات را به درج میزان مصرف انرژی در کالاهای تولیدی خود ملزم کند.^۱ با این حال این شیوه برچسب‌گذاری کالاها هنوز در حقوق ایران الزامی نشده است.

بازچرخانی مواد

توسعه بازار کالاهای دست دوم، بازیافت پسماندها و بازچرخانی مواد از مهم‌ترین راهکارهای افزایش چرخه عمر مواد، استفاده بهینه از منابع طبیعی و جلوگیری از اسراف این منابع است. از آنجا که برخی از انواع پسماندها بازیافت‌پذیر نیستند یا بازیافت آنها هزینه زیادی دارد، بنابراین در طراحی، تولید و مصرف این کالاها باید تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شود. حمایت از صنایع بازیافتی و بازیافت پسماندها در دهه‌های اخیر مورد توجه برخی نظام‌های حقوقی واقع شده و تدابیر عملی برای تشویق و الزامی‌سازی بازیافت این مواد اتخاذ شده است. به موجب بند ۲ ماده ال ۳-۱۳۱ کد محیط‌زیست فرانسه (L131-3 II 2°)، یکی از وظایف آژانس محیط‌زیست و مدیریت انرژی عبارتست از کاهش تولید، بازیافت و استفاده دوباره پسماندها است. در ایران نیز قانون مدیریت پسماندها و آیین‌نامه اجرایی آن تدابیری جهت بازیافت پسماندها اتخاذ می‌کند.

اصلاح نظام نهادی

یکی از عناصر اصلی مدیریت پایدار منابع طبیعی کشور، نظام سازمانی کارآمد و بهره‌ور در کلیه سطوح ملی و محلی است (Bringezu *et al.*, 2016: 2) چراکه سازمان‌ها در انجام وظایف خود حجم عظیمی از منابع کشور را صرف می‌کنند و تأثیر بسزایی در مدیریت فرایند تولید و مصرف دارند. تنها در یک نظام سازمانی کارآمد است که می‌تواند مدیریت پایدار منابع صورت گیرد. همچنین نهادهای خاصی باید برای سازماندهی به تشویق مستمر و تسهیل تولید و مصرف پایدار مأموریت یابند. تصویب آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۰ قانون برنامه پنجم توسعه گامی در جهت توسعه مدیریت سبز در دستگاه‌های اجرایی کشور بود اما این مصوبه تدبیری برای تضمین

۱. همچنین ر.ک. مقررہ کمیسیون اروپا در خصوص برچسب‌زنی محیط‌زیستی (EC Reg. 66/2010).

ملاحظات محیط‌زیستی در نظام تصمیم‌گیری این دستگاه‌ها ارائه نمی‌داد. بند (الف) تبصره ۲۹ قانون برنامه دوم توسعه نیز شورای عالی الگوی مصرف را تشکیل داد که البته از نحوه تشکیل و فعالیت این شورا اطلاعی در دسترس نیست.

نتیجه

به دلیل اهمیت منابع طبیعی برای کشور صیانت از این منابع از طریق پایدارسازی فرایند و ساختار تولید و مصرف کالاها و خدمات یک ضرورت اساسی است و با توجه به این نکته برخی از نظام‌های حقوقی مانند ایران، به سمت اساسی‌سازی این امر در بدنه حقوق داخلی گرایش یافته‌اند. اساسی‌سازی تولید و مصرف پایدار سه رکن اصلی دارد. در رکن نخست قانون اساسی (بند ۶ اصل ۴۳ و اصول ۴۵ و ۵۰) با تصریح به ممنوعیت اسراف و تبذیر با هدف اصلاح نظام اقتصادی، ممنوعیت آلودگی محیط‌زیست و استفاده از منابع طبیعی بنا بر مصالح جامعه، زمینه لازم برای اساسی ساختن تولید و مصرف پایدار را فراهم کرده است. اما در رکن دوم شورای نگهبان قانون اساسی در آراء و نظریات تفسیری خود توجه لازم را به توسعه این هنجار از طریق مغایر دانستن مصوبات مجلس با اصل ۵۰ و بند ۶ اصل ۴۳ و جمله آخر اصل ۴۵ مبذول نداشته و دیوان عدالت اداری نیز از استناد به این اصل در آراء خود و رویه‌سازی در این خصوص فرو گذاشته است. با تصویب قوانین و مقررات مختلف در راستای صیانت از منابع طبیعی و مقابله با اسراف و تبذیر در استفاده از این منابع، زمینه لازم برای رکن سوم اساسی‌سازی تولید و مصرف پایدار در حقوق ایران شکل گرفته است هر چند که تقویت این رکن و توسعه هنجاری این ارزش اساسی با چالش‌های مختلفی روبه‌روست از جمله نبود تعریفی جامع و دقیق از تولید و مصرف پایدار، نبود برنامه جامع برای کاهش هدر رفت مواد و انرژی در تولید و مصرف، نبود موازین رعایت پایداری در تولید و مصرف، نبود ابزارهای اقتصادی برای تشویق تولید کالاها پایدار مانند تخفیف‌ها مالیاتی برای تولید کالاها پایدار، ارائه یارانه برای خرید این کالاها و حذف یارانه برای کالاها ناپایدار و ناهمساز با محیط‌زیست.

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که اساسی‌سازی شکلی تولید و مصرف پایدار در حقوق اساسی ایران صورت گرفته اما اساسی‌سازی ماهوی این الگوی تولید و مصرف با وجود تصویب برخی قوانین و مقررات مرتبط نیاز به نحو مقتضی و بایسته‌ای شکل نگرفته و نیاز به تقویت دارد.

بنابراین شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری باید با استناد به این هنجار و صدور آراء و نظریات روشنگرانه در خصوص بند ۶ اصل ۴۳ و اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی به رویه‌سازی اساسی در این زمینه کمک کنند تا قوانین و مقررات اسراف‌گرایانه و تبذیرآمیز در زمینه منابع طبیعی تصویب نشود. دوم اینکه در حالی که این سه اصل قانون اساسی زمینه اساسی لازم برای ارزیابی طرح‌ها و لوایح قانونی از لحاظ تأثیر بر منابع طبیعی کشور و اسراف و تبذیر این منابع را ایجاد کرده‌اند، مجلس شورای اسلامی باید در پرتو این اصول قوانین کارآمدتری در راستای صیانت از مواد و منابع طبیعی و نهادهای تولید و مصرف پایدار تصویب کرده و در تصویب قوانین مختلف از مفاد این سه اصل تبعیت کند. بدین ترتیب که در کلیه قوانینی که به نحوی با مسئله تولید و مصرف منابع طبیعی ارتباط دارند باید سازکارهایی برای الزام به تولید و مصرف معقول و بهینه پیش‌بینی شود.

References

- [1] Abler, David G. & James S. Shortle. (1995). "Technology as an Agricultural Pollution Control Policy", *American Journal of Agricultural Economics*, Vol. 77, No. 1.
- [2] Argentine Constitution. (1994).
- [3] Bauer, Matthias. (2018). *Das Recht des Technischen Produkts*, Deutschland: Springer.
- [4] Belarus Constitution 1994, with amendments of 2004.
- [5] Blank, Dionis Mauri Penning. (2013). "A Constitucionalização do Direito e sua Evolução na Matéria Ambiental", *Revista Cadernos do Programa de Pós-Graduação em Direito*, Vol. 8, No. 1.
- [6] Bolivia Constitution. (2009).
- [7] Boothroyd, Peter. (2000). "Integrating Economy, Society, and Environment through Policy Assessment", in Robert F. Woollard & Aleck S. Ostry (eds), *Fatal Consumption: Rethinking Sustainable Development*, Canada: UBC Press.
- [8] Bosselmann, Klaus. (2014). "Global Environmental Constitutionalism", *Revista Opinião Jurídica*, Vol. 12, No. 16.
- [9] Bringezu, Stefan *et al.* (2016). "Multi-Scale Governance of Sustainable Natural Resource Use—Challenges and Opportunities for Monitoring and Institutional Development at the National and Global Level", *Sustainability*, 8, 778.
- [10] Brown, Garrett Wallace. (2012). "The Constitutionalization of What?", *Global*

- Constitutionalism*, Vol. 1, Issue 20.
- [11] Clayton, Barry Dalal & Stephen Boss. (2002). *Sustainable Development Strategies: A Resource Book*, Earthscan: UK.
- [12] Constitutional Council . (2015) *Constitutional Principles in the Constitutional Council's Procedure . (1979-2015)*, Vol. 1, Collected by Mohammad Fathi & Kazem Koohi, Research Center of the Constitutional Council (in Persian).
- [13] Durning, Alan . (1995) *How Much is Enough? The Consumer Society and the Future of the Earth*, Translated by Abdolhossein Vahhabzadeh, Jihad Daneshgahi of Mashhad Publication (in Persian).
- [14] EC Communication on the new SD strategy. (2001). "A Sustainable Europe for a Better World – A European Strategy for Sustainable Development", (COM (2001) 264 final.
- [15] EC Communication. (2005). "Thematic Strategy on the Sustainable Use of Natural Resources", COM (2005) 670 final.
- [16] EC Communication. (2011a). "Roadmap to a Resource Efficient Europe", COM. (2011) 571 final.
- [17] EC Communication. (2011b). "A resource-efficient Europe – Flagship initiative under the Europe 2020 Strategy", COM (2011) 21.
- [18] EC Communication. (2012). "Innovating for Sustainable Growth – A Bioeconomy for Europe", COM (2012) 60.
- [19] EC Communication. (2015). "Closing the loop - An EU Action Plan for the Circular Economy", COM (2015) 614 final.
- [20] EC Directive 2000/53/EC on end-of life vehicles.
- [21] EC Regulation No. 66/2010 of the European Parliament and of the Council of 25 November 2009 on the EU Ecolabel.
- [22] Ecuador Constitution, 2008.
- [23] Ekins, Paul & Xavier Lemaire. (2012). "Sustainable Consumption and Production for Poverty Eradication", UNEP Technical Paper.
- [24] EU EAP. (1992). "Environmental Action Programme 5 (1993-2000): Towards Sustainability".
- [25] European Environmental Agency . (2014) *Life Cycle Assessment*, Translated by Mostafa Khethri & Fatemeh Ebadeti, Talab Publication (in Persian).
- [26] France Loi constitutionnelle n° 2005-205 du 1er mars 2005 relative à la Charte de l'environnement.
- [27] Fuchs, Doris A. & Sylvia Lorek. (2005). "Sustainable Consumption Governance: A History of Promises and Failures", *Journal of Consumer Policy*, Vol. 28.
- [28] Germany Constitution of 1949 with Amendments through 2012 & 2017.
- [29] Hansen, Ursula & Ulf Schrader. (1997). "A Modern Model of Consumption for a Sustainable Society", *Journal of Consumer Policy*, Vol. 20.
- [30] Heiskanen, E. *et al.* (2009). "Policies to promote sustainable consumption:

- framework for a future-oriented evaluation”, *Progress in Industrial Ecology – An International Journal*, Vol. 6, No. 4.
- [31]IUCN (1991). “Caring for the Earth: An Strategy for Sustainable Living”.
- [32]Jacobs, Scott. (2006).“Current Trends in Regulatory Impact Analysis: The Challenges of Mainstreaming RIA into Policy-making”, Jacobs and Associates Inc. paper, USA.
- [33]Krausmann, Fridolin *et al.* (2009). “Growth in global materials use, GDP and population during the 20th century”, *Ecological Economics*, Vol. 68, No. 10.
- [34]Ley N° 300 de Bolivia: Ley Marco de la Madre Tierra y Desarrollo Integral para Vivir Bien, 2012.
- [35]Mashahdi, Ali . (2014). “Substantive Constitutionalization of Right to Environment in the Legal system of Iran & France”, *Comparative Law Studies*, Vol. 5, No. 2, (in Persian).
- [36]New Zealand Resource Management Act 1991.
- [37]OECD. (2003). “Voluntary Approaches for Environmental Policy: Effectiveness, Efficiency and Usage in Policy Mixes”, OECD, France.
- [38]OECD. (2008). “Promoting Sustainable Consumption: Good Practices in OECD Countries”, France.
- [39]OECD. (2008). “Recommendation of the OECD Council on Resource Productivity”, Paris.
- [40]Perman, Roger *et al.*, (2013) *Natural Resources and Environmental Economics*, Translated by Hamidreza Arbab, Ney Publication, 3rd edition (in Persian).
- [41]Persson, Torsten & Guido Tabellini. (2002). *The Economic Effects of Constitutions: What do the data say?*, MIT Press: USA.
- [42]Philippines Constitution, 1987.
- [43]Rio Declaration on Environment and Development, The United Nations Conference on Environment and Development, (1992).
- [44]Romania National Sustainable Development Strategy for 2030, 2008, Government of Romania.
- [45]Salzman, James. (1997). “Sustainable Consumption and Law”, *Journal of Environmental Law*, Vol. 27, Issue: 4.
- [46]Spain's Constitution of 1978 with Amendments through 2011.
- [47]Taghizadeh, Djavad . (2006) “The Matter of Constitutionalization of Legal Order”, *Legal Researches Journal*, Vol. 11, No 6, (in Persian).
- [48]Uganda Green Growth Development Strategy 2017- 2030, 2017.
- [49]UN Resolution adopted by the General Assembly on 22 December 2015, “Harmony with Nature”, UN/A/RES/70/208.
- [50]UN/A/res/70/1, *Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development*, Resolution adopted by the General Assembly on 25 September 2015.
- [51]UNCED. (1992). *Agenda 21*, Rio de Janerio, Brazil.

- [52] UNCED. (2012). 10-Year Framework of Programmes on Sustainable Consumption and Production Patterns. (10YFP). (A/CONF.216/5), Rio de Janeiro, Brazil.
- [53] UNDESA. (2011). "Objective and themes of the United Nations Conference on Sustainable Development: Report of the Secretary-General", Preparatory Committee for the UNCED.
- [54] UNEP. (2014a). A Guidance Manual for Green Economy Policy Assessment. United Nations Environment Programme, Nairobi.
- [55] UNEP. (2014b). Decoupling 2: technologies, opportunities and policy options. A Report of the Working Group on Decoupling to the International Resource Panel.
- [56] UNEP. (2014c). "Using Indicators for Green Economy Policymaking", Working Paper, Nairobi.
- [57] UNEP. (2014d). "Using Models for Green Economy Policymaking", Nairobi.
- [58] UNGA Resolution 66/288, "The future we want", 2012.
- [59] United Nations Commission on Sustainable Development (UNCSD), Symposium on Sustainable Consumption, Oslo, 1994.
- [60] UNWSSD. (2002). Johannesburg Plan of Implementation, South Africa.
- [61] WBCSD (World Business Council for Sustainable Development). (2008), "Sustainable Consumption Facts and Trends", Switzerland.
- [62] White, Rob. (2002) "Environmental Harm and the Political Economy of Consumption", Social Justice, Vol. 29, No. 1-2.
- [63] World Wildlife Fund (WWF). (2014). "Living Planet Report: spaces, people and places", Switzerland.
- [64] Указ Президента РФ от 01.04. (1996). г. «О концепции перехода Российской Федерации к устойчивому развитию».